

سلام کودکانه

گره پاپیونی

بعضی وقت‌ها بند کفش‌هایم باز می‌شد و زیر پاهایم می‌رفت، به خاطر همین اصلاً کفش‌های بندی را دوست نداشتم. دیروز داداش پویا به من گفت: «دوست داری بهت یاد بدم چه شکلی گره پاپیونی بزنی که وقتی بند کفشات باز میشه اذیت نشی؟» من گفتم: «بله» داداش پویا به من یاد داد. من چند بار با دقت نگاه کردم، اما موقع گره زدن باز هم اشتباه می‌کردم. چند بار تمرین کردم تا بالاخره موفق شدم. داداش پویا خندید و گفت: «بین چقد ر قشنگ گره زدی» گفتم: «بالاخره یاد گرفتم. حالا دیگه هر وقت و هر جا بند کفشام باز بشه خودم دوباره می‌بندمشون. ممنون داداش پویا» و لبخند زدم.



ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۳۹۴۵۷۶ ۰۹۳۵۳۹۴۵۷۶

احساسات من

وقتی غمگین هستم

من بچه شاد و بازیگوشی هستم، اما بعضی وقت‌ها ناراحت و غمگین میشم، مثلاً وقتی یک نقاشی می‌کشم اما خوشگل نمیشه، یا وقتی که بابا دیر از سر کار میاد و من دلم براش تنگ میشه، حتی وقتی تیم فوتبال مورد علاقه‌ام می‌بازه.



وقتی غمگین هستم حوصله ندارم با کسی حرف بزنم، یک وقت‌هایی نمی‌تونم به بقیه توضیح بدم چرا ناراحتم. این جور وقت‌ها احساس می‌کنم شبیه یک بادکنک بدون باد یا یک بستنی وارفته شدم.

اما غمگین بودن من زیاد طول نمی‌کشه، چون زود دست به کار می‌شم، یک نقاشی بهتر می‌کشم و حالم خوب میشه، یا منتظر می‌مونم تا بابا از سرکار بیاد و بپریم بغلش و ناراحتیم تموم بشه. تازه می‌دونم تیم مورد علاقه‌ام هم با تلاش بیشتر می‌تونه دفعه بعد برنده باشه. اما اگه بازم حالم خوب نشد با ماما یا بابام درد دل می‌کنم یا با خواهر و برادرم بازی می‌کنم.

اگه هیچ کدوم نشد یک جشن تولد برای عروسک‌هام می‌گیرم تا زودتر ناراحتیم رو فراموش کنم، چون می‌دونم غم خودش از دل آدم بیرون نمیره. تازه یک وقت‌هایی ممکنه خودم باعث ناراحتی بقیه بشم. این جور وقت‌ها سعی می‌کنم سریع برم و از دل اون کسی که ناراحتش کردم دربیارم.

شعر

خواهر مهربان

حرف‌های جالبی زد
مادرم، امشب برایم
گفت بین حرف‌هایش
معنی «معصومه» را هم

بی‌گناهی، پاک بودن
معنی معصومه این است
خواهر خورشید هشتم
خوب و پاک و نازنین است

گفت ماما قصه‌ها از
خواهری که مهربان است
خوش به حالم چون که اسمم
مثل او «معصومه جان» است

شاعر: عفت زینلی



تصویرسازی ها: سعید مرادی

شهر قصه

چنارک نگران نباش

پاییز بود. برگ‌های نهال چنار شروع به ریختن کرده بود. چنارک با دیدن برگ‌هایش روی زمین ترسیده بود. آخر بیشتر همسایه‌هایش هنوز سبز بودند. چنارک نگران یک موضوع دیگر هم بود. او به تازگی حس می‌کرد اشتهايش کم شده و حوصله غذا خوردن ندارد. حتی ریشه‌هایش هم دیگر غذا و آب کمتری از خاک می‌گرفتند. جدای از آن، او حالا احساس می‌کرد دوست دارد زمان بیشتری را بخوابد.

یک روز سرد پاییزی، سه تا از دوستان چنارک که پرنده بودند به دیدنش آمدند. چنارک که غصه‌دار ریختن برگ‌هایش بود، با دیدن آن‌ها خیلی خوشحال شد. اما وقتی آن‌ها به او گفتند، برای خدا حافظی آمده‌اند و می‌خواهند برای زمستان به جای دیگری بروند، چنارک شروع به گریه کرد و گفت: «آخه چرا میرید؟ من مریضم و همه برگ‌هام داره می‌ریزه.»



پرناز لبخندی زد و گفت: «چنارک نگران نباش. تو مریض نشدی! ریختن برگ‌های تو یه اتفاق طبیعیه!»

چنارک وسط حرفش پرید: «چطور برای من طبیعیه وقتی بقیه درخت‌ها سبزند؟»

پرناز گفت: «درختای کاج همه سال سبز می‌مونن. اما تو و خیلی از درخت‌های دیگه، تو پاییز برگاتون می‌ریزه اما بهار که بیاد، دوباره سبز می‌شید. اون وقت ما هم برمی‌گردیم همین‌جا.»

نهال با تعجب گفت «راست میگی؟»

پرناز گفت: «آره، حالا هم با خیال راحت بگیر بخواب.»

بهار که رسید، پرناز و دوست‌هایش به قولشان عمل کردند. آن‌ها دوباره برگشتند و چنارک را دیدند. چنارک بزرگ شده بود و تبدیل به یک چنار بلند شده بود.

آثار شما

دنیای نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفاً نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.



سهراب محمودی - ۷ ساله

با نور گرم خورشید
سیب‌های سرخ تپل شد
غنچه نازنینم
خنده‌ای کرد و گل شد



امیرحسین نجفی - ۸ ساله

از صبح زود، همیشه
خورشید خانم می‌تابه
به گل، درخت و سبزه
به ماهی که تو آب



سهیل غلامی - ۸ ساله

دلم می‌خواد همین الان
بیام زیارت شما
به گنبد نگاه کنم
بگم سلام امام رضا

معرفی کتاب

بدنم چگونه با میکروب‌ها می‌جنگد؟

دوستان خوبم زمستان دارد از راه می‌رسد و اگر خوب مراقب نباشیم ممکن است سرما بخوریم. تا حالا به این فکر کرده‌اید چه اتفاقی می‌افتد که مریض می‌شویم یا سرما می‌خوریم و بدن ما چطور با بیماری مبارزه می‌کند. در کتاب «بدنم چگونه با میکروب‌ها می‌جنگد» سم به کمک مادرش به این سؤالات پاسخ می‌دهد. این کتاب را «کیت روئن» نوشته و انتشارات پنجره با ترجمه خانم «پریسا همایون روز» برای کودکان ۵ تا ۱۱ سال چاپ کرده است.

برشی از کتاب

سم بینی‌اش را بالا کشید و گفت: «مطمئنم الان توی بدنم میلیون‌ها میکروب دارم»

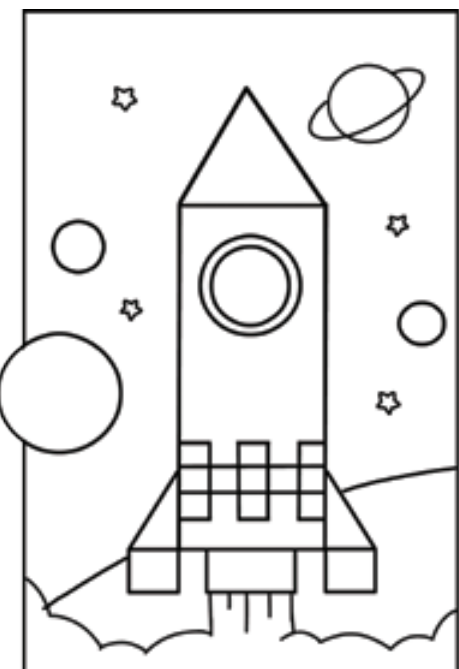
مادر گفت: «میلیاردها. ولی همه میکروب‌ها ما را بیمار نمی‌کنند. وقتی میکروب‌های بیماری‌زا وارد بدن ما می‌شوند، بدنمان سعی می‌کند با آن‌ها بجنگد.»

سرگرمی و رنگ آمیزی

بازی ریاضی

دوستان خوبم به تصویر نگاه کنید و بگویید از هر شکل هندسی چه تعداد در تصویر وجود دارد و بعد تصویر را رنگ آمیزی کنید.

دایره () مستطیل ()
مثلث () مربع ()



دوستان خوبم آثار شما به دست ما رسید

رضا نژاد رحیم، کلاس پنجم (نوشته پند آموز و نقاشی)
فاطمه زینب مظفری، ۷ ساله (شعر)
سارینا شعبانی، ۱۰ ساله (داستان و نقاشی)
روشارحیمی، ۹ ساله (داستان و نقاشی)

با سپاس از شما، لطفاً باز هم برای ما کارهای زیبایتان را ارسال کنید.

